

فصل اول: صفات شہود

شرط اول = بلوغ ← پس شهادت نابالغ پذیرفته نیست .

خواه ممیز باشد

شهادت - ضبیه (دختر بچه) مطلقاً اعتبار ندارد

یا غیر ممیز

مطلقاً در هیچ صورتی

صبی (پسر بچه) — غیر ممیز ← اعتبار ندارد

ممیز کمتر از ده سال ← مطلقاً اعتبار ندارد

به ده سال رسیده باشد ← در قتل و جرح محل تردید است

در غیر از قتل و جرح اعتبار ندارد

خواه اطباقی

پذیرفته نیست

خواه ادواری (شهادت در حال جنون باشد)

شرط دوم = عقل ← پس شهادت مجنون

نکته: مگر مجنون ادواری در زمان افاقه شهادت دهد در صورتی قبول است که حاکم

از راه امتحان ملفت گردد.

شهادت کسانی که معمولاً دچار فراموشی و غفلت می شوند نیز همانند مجنون معتبر نیست مگر در زمان تحمل و اداء هوشیار باشند .

شرط سوم ایمان ← یعنی شیعه دوازده امامی می باشد

چند نکته ← پذیرفته است ← شهادت مومن عادل حلال زاده

شهادت کافر ذمی با حفظ سه شرط پذیرفته است

عادل باشد

مورد شهادت وصیت مال باشد

هیچ مسلمانی برای شهادت نباشد

نکته : خواه موصی در غربت باشد یا در وطنش

مسلمانی غیرمومنی که در مذهب خویش عادل باشد

بعید نیست قبول نشود

پذیرفته نیست ← کافر حربی مطلقاً

شرط چهارم عدالت که در مقابل فسق است ← عدالت یعنی مرتکب گناه کبیره شود

اصرار بر گناه صغیره داشته باشد

مرتکب گناه صغیره در دو صورت شهادتش قبول است

۱- توبه نماید

۲- عدالتش ثابت شود

چند مسئله : مسئله اول : مخالفین اصول و فروع دین

۱ شهادت قبول نمی شود ← کسی که مخالف اصول دین یا منکر ضروریات دین باشد گرچه

از روی عناد نباشد بلکه از روی شبه باشد

مثال بگوید نماز یا حج واجب نیست

کسی که از روی عناد و دشمنی مخالف فروع عادت دین نباشد

۲ شهادت قبول می شود ← کسی که از روی شبهه و تردید مخالف فروع عادت دین باشد

مسئله ی ۲ : شهادت قاذف

در صورتی قبول نمی شود که ← نسبت زنا یا لواط را ثابت نکند (با بینه یا اقرار مقذوف)
← لعان هم نباشد

- در صورتی قبول می شود که ← توبه نماید (نحوه ی توبه نسبت ناروا را تکذیب نماید:

← نزد کسانی که این نسبت را داده است
← نزد عده ای از مسلمانان
← نزد زن و مردی که به آنها نسبت زنا و لواط داده (قذف نموده)

نکته: اگر ادعایش درست باشد ولی قدرت اثبات آن را ندارد باید توریه کند (حقیقت را بیان نکند)

مساله ی سوم: شهادت کبوار باز و قمارباز

حرام نیست (شهادت آنها قبول است)
← نگهداری کبوتر (برای انس)
← رساندن نامه
← تولیدمثل و پراندن به هوا
← بازی با کبوتران (گرچه مکروه است)

مساله ی چهارم: شهادت شاغلین مشاغل مکروه

۱- اربابان ضایع مکروه
← بیع صرف
← بیع کفن
← صنعت حجامت
← بافندگی
۲- بیماری هایی که شهادت در آن قبول است
← برص
← جذام

شرط پنجم حلال زاده بودن

حلال زاده بودن ← قبول نمی شود شهادت زنازاده هر چند اظهار اسلام

نماید و عادل باشد

(اگر معلوم گردد

حلال زاده نیست)

در مورد شهادت زنازاده در امور کوچک

گرچه برخی گفته اند مورد قبول هست

ولیکن اشبه آن است که قبول نیست

اگر معلوم نباشد که

حلال زاده است یا زنازاده ← چنان چه ملحق به فراش باشد شهادتش قبول است

هر چند مشهور به زنازاده باشد

چنان چه ملحق به فراش نباشد در قبول شهادتش اشکال است

شرط ششم : متهم نبودن ، پس

اسباب خاص

اتهام — الف) جلب منفعت ۱- شهادت شریک به نفع شریک صرفاً در امور مورد شراکت قبول نیست نه غیر مورد شراکت

۲- شهادت طلبکار به نفع بدهکار محجور و آن مالی که متعلق دین است قبول نیست

نکته: در خصوص مدیون غیرمحجور یا مالی که متعلق حجر نیست شهادت دهد مورد قبول است

۳- شهادت وصی و وکیل اگر سبب زیادی مال موکل گردد به واسطه آن اجرت آنها افزایش یابد قبول نیست

۴- شهادت ولی به نفع مولی علیه در موردی که ولایت دارد و از باب ولی بودن مدعی باشد مورد قبول نیست نه آنکه مطلقاً قبول نباشد.

۵- شهادت شفیع به فروش سهمی که خودش در آن حق شفعه دارد قبول نیست

نکته : در هر موردی که شهادت دادن سبب جلب منفعت برای شاهد گردد قبول نیست

اسباب خاص

دفع ضرر

۱- شهادت عاقله بر جرح شاهدان جنایت خطایی مورد قبول نیست

۲- شهادت وکیل و وصی بر جرح مشهودی که علیه موکل و

وصی اقامه دعوا کرده اند قبول نیست

تهمت شهادت دادن

دشمنی دنیوی

اگر به ضرر دشمنش شهادت دهد قبول نیست

اگر به نفع دشمنش شهادت دهد قبول است مادامی که دشمنی

حاکمی از فسق وی نگردد

نکته: دشمنی دینی داشته باشد شهادت دهد قبول است

سائل بودن

اگر گدایی حرفه وی باشد شهادتش قبول نیست

گدایی کردن

اگر گدایی کردن از روی احتیاج باشد شهادتش قبول است

شهادت تبرعی

در مورد حق الناس مورد قبول نیست البته تردید است

یا داوطلبانه

در مورد حق الله مثل شرب خمر و غیره مورد قبول است

در مورد مصالح عامه شبهه قبول شهادت است

مسئله پنجم : شهادت خویشان

شهادت پدر به نفع (له) و یا به ضرر (علیه) و فرزندش پذیرفته می شود	شهادت خویشان
شهادت فرزند (تنها) به نفع پدر پذیرفته است	نسبی پذیرفته است
نکته: در مورد شهادت فرزند به ضرر پدر تردید وجود دارد	
شهادت برادر به نفع یا به ضرر برادرش	
شهادت سایر خویشان به نفع و یا به ضرر یکدیگر	

شهادت زوجین: شهادت زوجین به نفع (له) یا به ضرر (علیه) یکدیگر پذیرفته می شود.

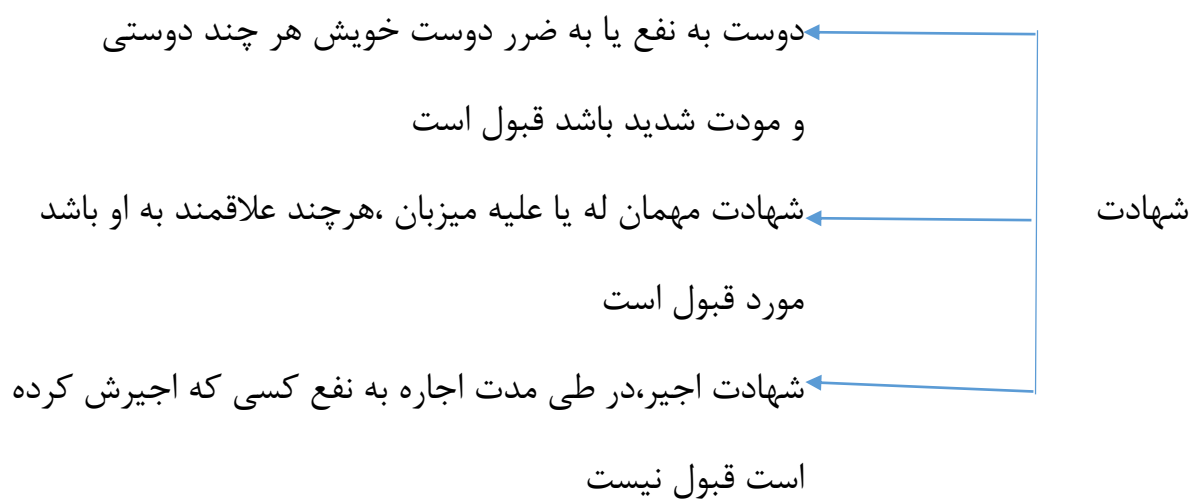
نکته:

در شهادت زوج ضمیمه به شهادت زوج مثل شهادت دادن فرد عادل دیگر شرط نیست اما در خصوص وجود ضمیمه به شهادت زوج شرط هست یا خیر
قول وجیه تر آن است که نیست .

فایده وجود ضمیمه به شهادت زوج مثلاً در باب وصیت به مال:

اگر ضمیمه شرط باشد تنها با شهادت دادن زوج چیزی ثابت نمی شود
اگر ضمیمه شرط نباشد با شهادت دادن زوج $\frac{1}{4}$ مورد وصیت که $\frac{1}{12}$ از ثلث می باشد ثابت می شود.

مسئله ۶ - شهادت دوست و مهمان - اجیر



نکته: اگر اجیر در حال اجیر بودن مشاهده نماید (تحمل کند) ولی پس از اجاره شهادت دهد (اداء کند) مورد قبول است .

مسئله هفتم : ملاک صفات شهود در زمان اداء شهادت است نه تحمل یا وقوع مشهود به

اگر اتفاقی را مشاهده کنند (تحمل نمایند) سپس بعد از بین رفتن موانع یعنی بالغ، عادل و مسلمان گردند شهادت دهند، قبول است. و یا اگر در زمان کودکی یا در شرایط فسق و کفر شهادت دهند، سپس موانع برطرف

صغیر و فاسق و کافر

گردد، دوباره شهادت دهند، قبول است

نکته: بین فسق و کفر ظاهری و باطنی تفاوتی وجود ندارد

مسئله هشتم: ملاکِ شاهد بودن

اشهاد یعنی شاهد گرفتن نیست

ملاک شاهد بودن متوقف بر استدعا از وی نیست که شاهد گردد

تکلیف شاهد ————— اگر گرفتن حق متوقف بر

شهادت شاهد نباشد، شاهد در شهادت دادن مخیر است

شهادت شاهد باشد، واجب است که شهادت بر حق دهد.

نکته: اگر مشهود له یا مشهود علیه از شاهد بخواهند که تو بر ما شاهد نباش، ولی اگر شنیده یا دید، شاهد محسوب می شود

مسئله ی نهم : ملاک شهادت فاسق

فردی مشهور است به فاسق و به خاطر قبولی شهادتش توبه نماید	قبول نیست شهادت
مرتکب گناه کبیره به خاطر پذیرش شهادتش توبه کند.	
مرتکب گناه صغیره به جهت قبولی شهادتش توبه کند	

نکته: مگر آنکه توبه ای که این ۳ گروه کرده اند روشن شود که استعداد بر اصلاح دارد و ملکه را دهد بازدارنده از گناه حاصل شده باشد در واقع عدالتی که با صلاح ظاهری حاضر گردد

فصل دوم: مواردی که فرد شاهد می شود

مسئله ۱- ملاک در شهادت علم قطعی و یقینی است.

۱- ممکن است از راه حواس ظاهری خودش به وجود آید مثل: دیدن از راه چشم در امور دیدنی و یا بوئیدنی بوئیدنیها چنین شهادتی قبول است	الف: از راههای عادی	علم و یقین از چه راههایی حاصل می شود
۲- ممکن است از راه حواس ظاهری مخصوص خودش نباشد مثال: زیاد شنیدن واقعه ای که دیدنی است - در پذیرش چنین شهادتی دو وجه وجود دارد که شبه جایز بودن چنین شهادتی است	ب: از راه های غیرعادی و نامتعارف	
ممکن است علم و یقین از راه غیر عادی مثل رمل و جفрат که صرفاً برای خود فرد معتبر است به دست آید این شهادت جایز نیست		

مسئله ۲ کسب علم از راه تسامع و استفاضه

شهادت از راه شنیدن پی در پی و شیوع یک خبر

اگر مفید علم باشد یعنی یقین آور باشد جایز است

نکته: دلیل قبولی آن فقط شایع بودن خبر نیست بلکه به دلیل یقین آور بودن است



۲- قبولی این شهادت در امور خاصی هم چون وقف و زوجیت و نسبت نیست بلکه در همه امور قبول است

۳- تسامع و استفاضه در دیدنی ها و شنیدنی ها

اگر علم و قطع بیاورد جایز است



اگر یقین آور نباشد

و فقط ظن بیاورد شهادت به مسبب یعنی آن اتفاق و واقعه مثل معامله یا سرقت جایز نیست

اما شهادت به سبب جایز است مثل آنکه بگویند زیاد شنیدم

نکته: سبب یعنی آن دلیلی که علم و ظن می آورد می باشد مثل بینة و اقرار یا همان تسامع و استفاضه و مراد از مسبب یعنی آن واقعه و اتفاق



مسئله سوم : شهادت به اقتضای استصحاب ، بینه و ید

جایز نیست مگر در صورت وجود قرائن قطعی که یقین آور باشند

جایز است اگر در زمان اداء شهادت تصریح کند که او ظاهراً مالک

است به اقتضاء بینه یا ید یا استصحاب

شهادت بر اساس

امارات و اصول

شرعیه (استصحاب ، بینه و ید)

جایز نیست به نحو مطلق ، یعنی بدون آنکه به ادله یاد شده

تصریح کند. بگوید : او مالک است . اما این آنرا بیان نکند.

نکته: یک روایت وجود دارد که شهادت دادن به استناد بینه ، ید و استصحاب بدون وجود قرینه قطعی) جایز است .

مسئله چهارم : شهادت اعمی (نابینا) و اصم (ناشنوا) و اخرس (لال)

قبول است شهادت

کور و کر در تحمل و ادا، زمانی که واقعه را شناخته باشند

ناشنوا، اگر عملی را دیده باشد و آنرا شهادت دهد

نابینا ، اگر چیزی را بشنود و صاحب صدا را به یقین بشناسد

لال ، اگر تحمل نمود و اداء نماید

- نکته: ← ۱- اگر حاکم از اشارات لال قطع پیدا کرد حکم صادر می کند
- و اگر متوجه نشد به ترجمه دو نفر مترجم عادل اعتماد می کند.
- ۲- شهادت اصلی همان شهادت شخص لال است نه مترجمین

فصل سوم :اقسام حقوق

مسئله ۱- اقسام حقوق : حقوق یا حق الله هستند یا حق الناس

شهادت چهار مرد	}	حقوق الله
شهادت سه مرد و دو زن		ثابت می شود
یا شهادت دو مرد و چهار زن		
یا شهادت دو مرد		

مسئله دوم : شهادت مردان و زنان در باب طلاق واقسام آن

تنها با شهادت دو مرد طلاق ثابت می شود	شهادت مردان و زنان در باب طلاق واقسام آن
با شهادت زنان خواه به تنهایی یا با ضمیمه مردان اصل طلاق ثابت نمی شود	
با شهادت زنان خواه به تنهایی یا با ضمیمه مردان اصل طلاق خلع و مبارات ، قول اقرب آن است که ثابت نمی شود	

اگر در طلاق خلع و مبارات اختلاف در میزان بذل باشد با شهادت زنان ثابت می شود	نکته :
در طلاق خلع و مبارات در این که زن مدعی باشد یا مرد فرقی وجود ندارد ، اما در مورد مرد خالی از اشکال نیست .	

مسئله سوم : شهادت زنان در امور غیر مالی

هر آنچه که از حقوق الناس غیر مالی باشد یا مقصود از آن غیرمال باشد پذیرفته نیست

همانند شهادت به مسلمان بودن کسی ، ولایت، جرح و تعدیل و عفو از قصاص پذیرفته نیست

باز همانند شهادت به وکالت و وصایا و رجوع در طلاق ، عیوب زنان و نسب و هلال ماه پذیرفته نیست .

شهادت زنان در
امور غیرمالی

نکته :

۱- برخی از فقها شهادت به خمس و زکات و نذر و کفاره را از مصادیقی می دانند که شهادت زنان پذیرفته نیست .

۲- غیرمالی بودن برخی از موارد یاد شده بالا محل تأمل است

۳- شهادت زنان در رضاع مورد قبول است.

مساله ی چهارم :شهادت در حقوق الناس

۱- با ۲ شاهد مرد	مواردی که شهادت در حقوق الناس مالی اثبات می شود
۲- ۱ شاهد مرد با ۲ شاهد زن	
۳- ۱ شاهد مرد با ۲ یمن (قسم مدعی)	
۴- ۲ شاهد زن با ۱ یقین مدعی	

نکته مقصود از امور مالی هر نزاعی است که بر سر مال باشد یا مراد از آن دعوا مال باشد

مصادیق حقوق الناس :

قرض ، ثمن مبیع و ثمن سلف	مالی که با ۴ روش بالا ثابت می شود
و هر امر مالی که ذمه انسان به آن مشغول می شود	
(مثال غصب و کلیه ی عقود معاوضی (وصیت برای فردی جنایاتی که موجب دید است	
خطایی	جنایات
شبه عمد	
کشتن پدر فرزند خویش را	
کشتن مسلمان کافی ذمی را	
مامومه ، جائفه ، شکستن استخوان	

نکته : شهادت زنان با ضمیمه ی شهادت مردان در خصوص نکاح پذیرفته است .

مسئله ۵ : شهادت زنان در باب وقف حقوق مالی و قصاص

شهادت زنان

در مورد وقف خالی از اشکال نیست محل تردید است
در مورد حقوق مالی مثل مدت، خیار، شفعه، فسخ عقود که
به اموال تعلق دارد مورد قبول است.

در خصوص موجبات قصاص قبول نیست

مسئله ۶ : شهادت زنان در اموری که اطلاع از آن بر مردان دشوار است

۱- پاره ای از حقوق الناس که غالب اطلاع مردان از آن دشوار است هم با شهادت مردان و هم با شهادت زنان و هم با شهادت مردان و زنان با هم ثابت می شود

شهادت زنان در امور خاص

۲- ولادت- عذره (بکارت) حیض- عیوب باطن زنان مثل قرن و رتق و زخمی که در شرمگاه زنان بوجود می آید

مسئله ۷ : نصاب یا میزان شهادت زنان

۱- در هر موردی که شهادت زن بدون وضیمه قبول است کمتر از ۴ زن مورد قبول نیست

۲- شهادت یک زن بدون سوگند یک چهارم ارث کودکی که بعد از تولدش گریه کرده است و یک چهارم وصیت

شهادت دو زن در نصف و سه زن در سه چهارم و چهار زن در تمام آن مورد قبول است

نکته: در این مورد یک مرد ملحق به زن نمی شود و با شهادت یک مرد به هیچ وجه چیزی ثابت نمی شود

فروعاً :

فرع اول شهادت شرط عقود و ایقاعات

آیا شهادت در عقود و ایقاعات شرط است؟

پاسخ : شهادت (شاهد بودن) در هیچ عقد و ایقاعی شرط نیست مگر در باب طلاق و ظهار

فرع دوم حکم حاکم تابع شهادت شاهد

۱- حکم حاکم از شهادت شاهد تبعیت می کند

۲- اگر شهادت مطابق با واقع باشد حکم حاکم نافذ است و هم واقعاً و هم ظاهراً

۳- اگر شهادت مطابق با واقع نگردد حکم حاکم ظاهراً نافذ است

نکته : اگر شهادت مطابق با واقع نباشد و حکم به نفع مشهود له صادر گردد و مشهود له نیز بداند که شهادت صحیح نیست ، در این حالت اخذ مشهود به مباح نیست خواه شاهدان به بطلان شهادت شان آگاه باشند و یا آگاه نباشند .

فرع سوم : حکم تحمل و ادا شهادت

تحمل شهادت (یعنی مشاهده نمودن واقعه) برای کسی که دارای اهلیت شهادت دادن دارد، وجوب کفائی است

حکم تحمل شهادت و اداء شهادت

نکته : اگر غیر از این فرد کسی دیگر نباشد که شاهد گردد در این حالت وجوب عینی است

اداء شهادت مصداق وجوب کفائی است

فصل چهارم : شهادت فرعی یا شهادت بر شهادت

مسئله یک : شهادت بر شهادت در حقوق الناس

از قبیل مجازات مثل قصاص

غیر مجازات مثل طلاق و نسب

در اموال مثل دین و قرض و غصب و عقود معاوضی

مواردی که آگاهی مردان غالباً بر آن دشوار است ،
مثل عیوب باطنی زنان ، ولادت ، استهلال

شهادت فرعی در کلیه

حقوق الناس

پذیرفته است

- و استهلال (شنیدن گریه نوزاد بعد از تولد)

مسئله دوم : شهادت بر شهادت در حقوق الهی حدی

در حدود الهی محض قبول نیست چون فقط شهادت اصلی قبول است مثل شهادت فرعی بر سرقت که در این صورت قطع انگشتان را ندارد	شهادت . .
در حدود الهی مشترک مثل قذف و سرقت هم قبول نیست (البته با این شهادت بر شهادت فرد سارق باید مال مسروقه را برگرداند چون با شهادت بر شهادت حق الناس ثابت می شود	
در تعزیرات اقوی آن است با شهادت بر شهادت ثابت نمی شود	

مسئله سوم : اثبات آثار جرائم با شهادت فرعی

با شهادت فرعی (شهادت بر شهادت) در سرقت مجازات آن یعنی قطع انگشتان ثابت نمی شود اما مال از وی گرفته می شود

با شهادت فرعی مجازات زنا ثابت نمی شود اما نشر حرمت ثابت می شود یعنی فرد زناکار نمی تواند با مادر یا دختر زن زنازاده ازدواج کند

مسئله چهارم : شهادت بر شهادت در حقوق الهی غیر حدی

حقوق الهی غیر حدی ثابت می شود	با شهادت فرعی ثابت می شود
مثال: زکات ، خمس ، اوقاف مساجد، جهات عامه ، هلال ماه	

مسئله پنجم : شهادت فرع بر فرع یا شهادت بر شهادت و بیشتر پذیرفته نیست

مسئله ششم : صفات شاهدان فرع

در شهادت بر شهادت هر آنچه که در شهادت اصلی شرط است در این مورد نیز شرط است
هم از جهت عدد، هم از جهت اوصاف شهود (مثل بلوغ، عقل و...)

پس در شهادت بر شهادت یک نفر کافی نیست

برای هر یک از شاهدان اصلی دو شاهد فرعی باید شهادت دهند (که لزوماً چهار

شاهد فرعی باید برای دو شاهد اصل شهادت دهند ، بلکه هر شاهد اصلی را دو شاهد فرعی
شهادت دهند و ممکن است همین دو شاهد فرعی از آن شاهد اصلی دیگر هم شهادت بدهند

اگر یکی از دو شاهد ، اصلی با یک شاهد فرعی شهادت بر شهادت اصلی دهند قبول است

اگر دو شاهد فرعی بر مواردی که شهادت زن پذیرفته است از شاهد اصلی زن شهادت دهند قبول
است

مساله هفتم :

شهادت فرعی زنان (شهادت زنان بر شهادت) قبول نیست . شهادت

شهادت در مواردی که شهادت اصلی

پذیرفته نیست

زنان خواه به تنهایی

پذیرفته نیست

خواه به ضمیمه

شهادت زنان

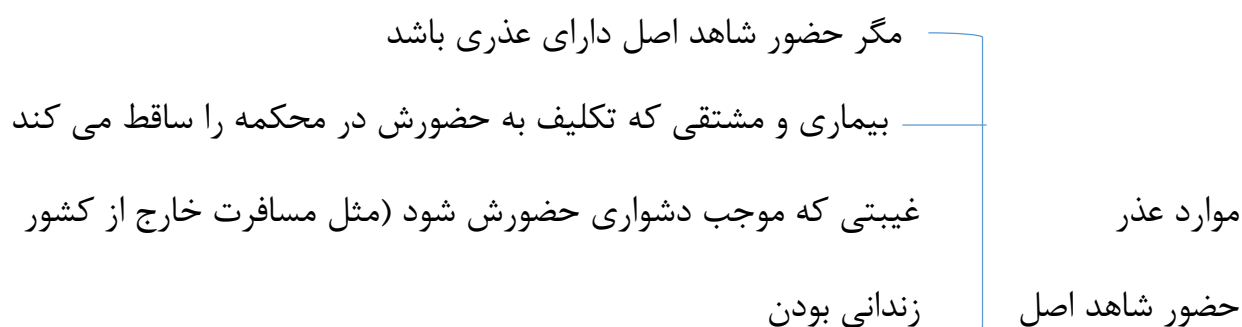
زنان بر

بر شهادت

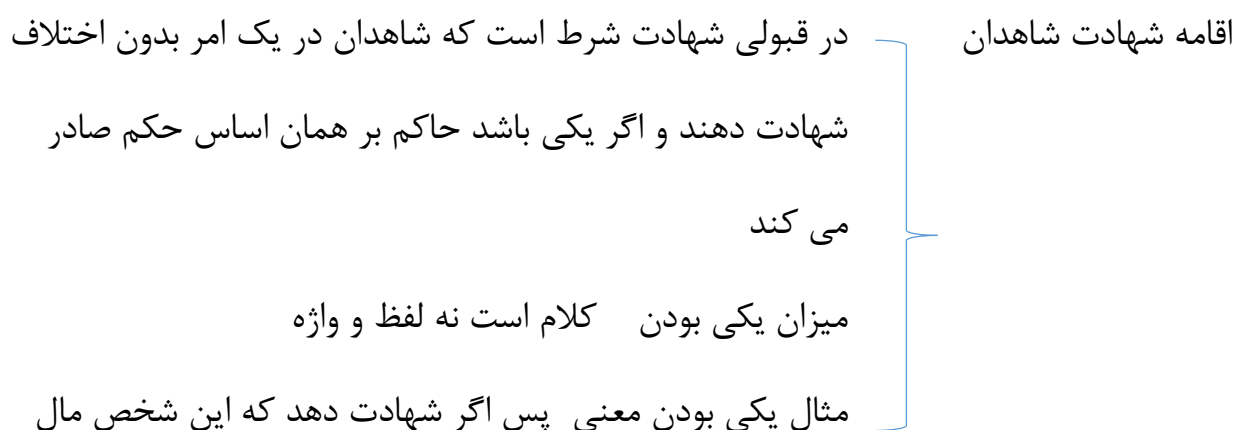
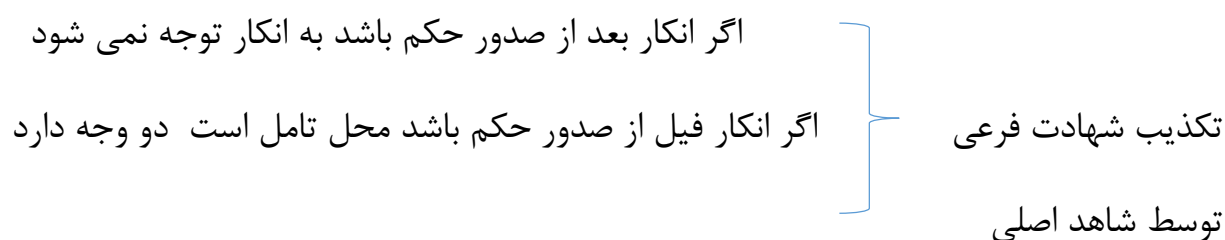
شهادت زنان بر زنان در مواردی که شهادت اصلی زنان مورد قبول است دو

قول وجود دارد که آشفه نپذیرفتن شهادت فرعی زنان است

مسئله هشتم : اصل عدم قبولی شهادت بر شهادت است



مسئله نهم : انکار شهادت فرعی توسط شاهد اصلی



فلانی را غصب کرد و دیگری بگوید که مال را به زور بود

ادامه مثال ۲- یا یکی بگوید مال را فروخت و دیگری بگوید در برابر عوض تملیک کرد.

یکی بودن معنی

اگر شاهدان در معنی دچار اختلاف شوند شهادت شان قبول نیست .

مثال اختلاف در معنی

۱- یکی شهادت به بیع داد و دیگری شهادت داد که او اقرار به بیع کرد

۲- یکی از شاهدان گفت، مال زید را غصب کرد . اما دیگری گفت این مال زید است

مسئله دوم : تکذیب کردن همدیگر شهود

اگر شهود یکدیگر را تکذیب نمایند شهادتشان ساقط است و نوبت

به قسم خوردن مدعی نمی رسد

تکاذب و عدم تکاذب شهود

اگر یکدیگر را تکذیب نکردند و مدعی مطابق شهادت یکی از شهود

سوگند بخورد ، دعوایش ثابت می شود

مسئله سوم : تفاوت زمانی شهادت شاهدان

اگر شاهی بگوید صبح سرقت کرده است و شاهد دیگری بگوید شب ، در این

حالت نه دستش قطع می شود نه محکوم به رد مال

تفاوت زمانی در

اگر شاهی بگوید صبح این مال را دزدی کرد و شاهد دیگری بگوید آن مال

را دزدی کرد در این حالت نه دستش قطع می شود و نه محکوم به رد مال

شهادت به سرقت

مسئله چهارم : اختلاف در زمان ، مکان و وصف شهادت

الف) اگر شاهدان در انجام عمل حرفشان یکی است اما از حیث زمانی و مکانی یا وصف آن عمل دچار اختلاف باشند شهادتشان کامل نیست .

۱-مثال اختلاف مکان: شاهی بگوید در بازار دزدیده است و دیگری بگوید از خانه

دزدیده است

۲-مثال اختلاف در وصف : شاهد بگوید دینار عراقی دزدیده است و دیگری بگوید دنیا

کویتي بود

۳-مثال اختلاف زمانی : یکی بگوید صبح سرقت کرده است و دیگری بگوید شب

ب-حکم : دست دزد در همه موارد بالا قطع نمی شود و محکوم به رد مال نیز نمی شود

اختلاف

زمانی و

مکانی

ادامه مگر اینکه مدعی با هریک از شاهدان قسم بخورد که در این حالت سارق همه ی موارد

را مدیون می شود.

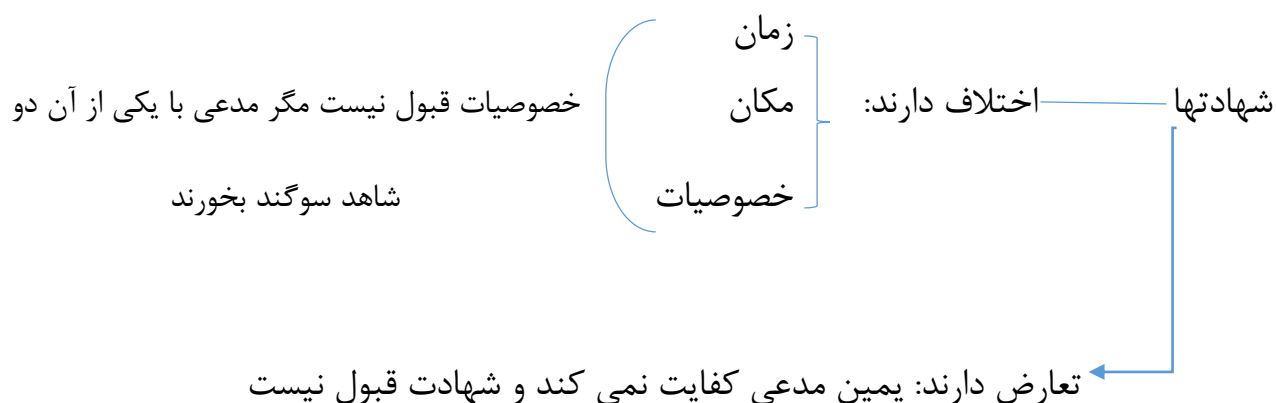
اگر شهادت ها از حیث اختلاف در خصوصیات تعارض داشته باشند هردو شهادت ساقط می شود و چیزی اعم از مجازات قطع ید و غرامت ، هرچند با سوگند مدعی باشد، ثابت نمی شود

ب-تعارض در شهادت

اگر بینه ها تعارض کنند، هردو بینه ساقط می شود

مثال تعارض بینه ها - شاهی بگوید این لباس را اول ظهر جمعه در بغداد سرقت کرد.

حکم با این شهادت نه دست قطع می شود نه غرامتی ثابت می شود



مسئله پنجم : تعارض شهادتها

اگر شاهدی بگوید این لباس را اول ظهر امروز به یک دینار فروخت و دیگری بگوید به دو دینار فروخت هر دو شهادت ساقط می شوند و چیزی ثابت نمی شوند.

هرگاه دو شاهد متعارض شهادت بدهند و شاهد دیگر شهادت یکی از آن دو را شهادت بیان کند، مورد قبول است اما البته آن است که هر دو شهادت ساقط می شوند و نیز شاهدی بگوید من شنیدم که بدهکار اقرار کرد که هزار دینار بدهکار است ولی شاهد دیگر بگوید شنیدم در همان زمان اقرار کرد دو هزار دینار بدهکار است، هر دو ساقط است

نکته: در هر موردی بین شهادتها تعارض باشد ساقط می شوند خواه بینه باشد (یعنی دو شاهد عادل) یا شهادت یک نفر

در صورت تعارض نداشتن دعوا هم با بینه ثابت می شود

و هم با یک شاهد به ضمیمه سوگند مدعی

مسئله ۶ : حکم حاکم در هر صورت تابع شهادتش است که در آن لحظه مشروع بوده است

چنان چه از حکم بمیرند یا مجنون شوند یا بیهوش گردند حاکم مطابق شهادت آن ها حکم می دهند

الف) اگر دو نفر

شهادت بدهند

چنان چه پیش از حکم عوارض یاد شده (فوت و جنون و بیهوش)

عارض شود سپس برطرف گردد (یعنی تزکیه صورت گیرد)

حاکم پس از تزکیه مطابق شهادتشان حکم می دهد

پیش از حکم فاسق یا کافر شوند حاکم بر اساس شهادت آن ها حکم

صادر می کند

شاهد فرعی بر اساس شهادت شاهد اصلی که در لحظه شهادت دادن نزد

شاهد فرعی عادل بود لکن پس از آن فاسق گردد شهادت فرعی قبول است

ب: شهادت فرعی

از شاهد اصلی

که پس از شهادت

دو دسته عوارض با

آثار متفاوت حاصل

شود

اگر به دلیل موت و جنون و بیهوش باشد هم در حدود الهی و هم حق الناس قبول است

اگر به دلیل فسق و کفر باشد ۱- در حقوق الله محض ثابت نمی شود مثل حد زنا و لواط

۲- در حقوق مشترک بین حق الله و

حق الناس مثل سرقت و قذف تردید

است (اشبه عدم اثبات حد است)

۳- ظاهراً در مقابل قبول است

مسئله ۷ : شهادت به نفع مورثی که هنوز نمرده است

شهادت به نفع مورث : اگر دو نفر به نفع کسی که بین شان رابطه توارث است شهادت دهند و پیش از حکم ، آن شخص (یعنی مورث) بمیرد و به واسطه ی حکم مالی به مورث زنده می رسيد .

اختلاف نظر وجود دارد= برخی معتقدند حاکم به شهادت آن شهود حکم صادر نمی کند.

امام خمینی (ره) معتقد است در این مسئله تردید و اشکال است .

آیا با شهادت این افراد برای شریک مورث چیزی ثابت می شود؟

الف) برخی فقها خیر ب) امام خمینی (ره) بله

مسئله ۸ : رجوع از شهادت پیش از صدور حکم

الف) رجوع از شهادت پیش از صدور حکم:

اگر دو شاهد شهادت دهند سپس پیش از صدور حکم یا یکی از آن دو از شهادت اقامه رجوع نمایند در این حالت حکمی بر اساس شهادت آنها صادر نمی شود خسارتی هم بر عهده آنان نمی آید .

اگر اعتراف کردند که عمداً به دروغ شهادت دادیم فاسقند . (شهادت‌های بعدی پذیرفته نیست)

اگر چنین اعترافی نکردند فاسق نیستند .

ادامه مسئله اگر چنین اعترافی نکردند

فاسق نیستند حال این شاهدانی که فاسق نیستند از رجوع خود رجوع

نمایند قبولی شهادتشان مورد اشکال است

ب- آثار رجوع شهادت یا اعتراف می کنند که عمداً (به دروغ) شهادت دادند در این حالت اگر

مشهود به (مورد شهادت) زنا باشد حد قذف بر آنها زده می شود

و یا می گویند دچار توهم شدیم که در باب شهادت به زنا حد

نمی خورد

مسئله ۹ : رجوع از شهادت بعد از صدور حکم

۱- بعد از استیفا حق : اگر شهود بعد از صدور حکم از شهادتشان رجوع

کند در حالی که حاکم مال را به مدعی داد (یعنی استیفا شد) و مال

تلف گشت حکم نقض نمی شود اما شاهدان باید غرامت بپردازند.

رجوع از شهادت

بعد از صدور حکم

۲- اما نسبت به سایر آثار غیرحدی اشبه آن است که نقص نمی شود

مثال آثار غیرحدی که نقض نمی شود

۱- حرمت ازدواج با مادر و خواهر و دخترش از بین نمی رود

۲- حرمت خوردن آن گوشت حیوانی که با آن وطی شده از بین

نمی رود

۳- تقسیم مال مرتد حکمش نقض نمی شود

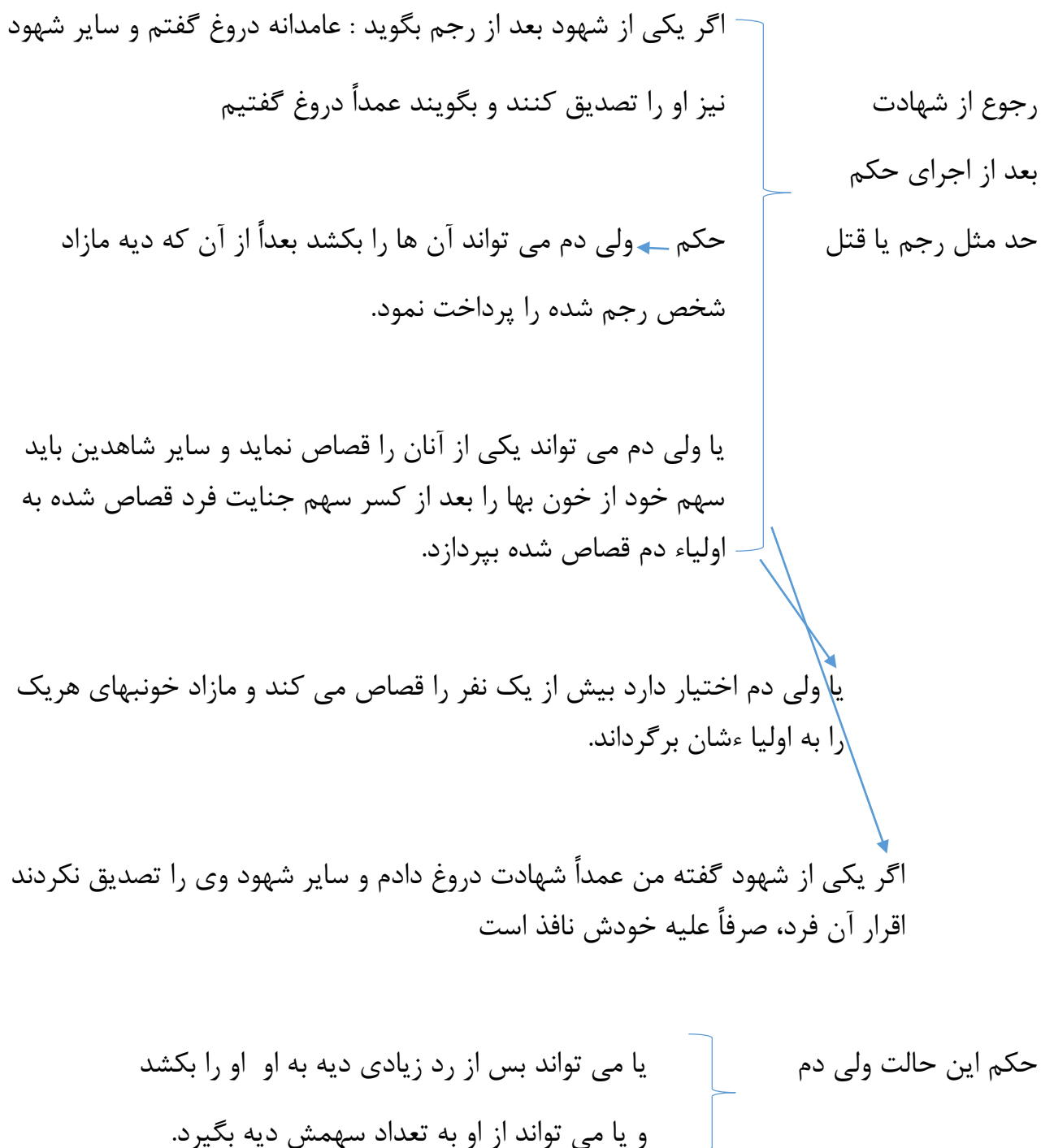
۴- عده نگه داشتن زوجه کسی که محکوم به مرتد شده باید حفظ

شود .

مسئله ۱۰: رجوع از شهادت پس از اجرای قصاص



مسئله ۱۱ : رجوع از شهادت پس از اجرای حکم حد



مسئله ۱۲: شهادت زور یا دروغ

الف: حکم شهادت زور(دروغ) - در امر مالی - حکم نقص می شود و اگر حکم اجرا شده باشد مال از کسی که به او داده شد پس گرفته می شود و اگر پس گرفتن ممکن نشد شهود ضامن آن هستند.

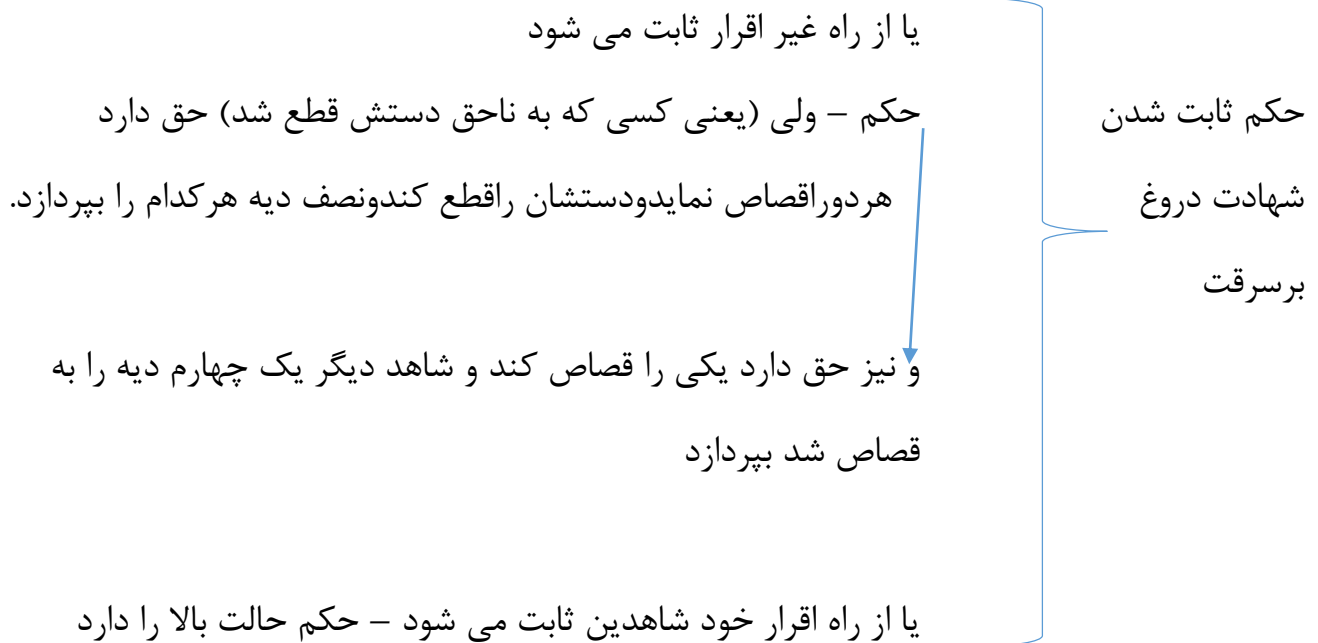
در قتل - شهود قصاص می شوند، حکمشان همانند شهودی است که از شهادتشان رجوع کردند و اقرار نمودند که به عمد شهادت دروغ داده اند

ب: تزویر ولی دم اگر ولی دم با تزویر، قتل مورث خویش را علیه کسی ثابت نمود(مثل آنکه با شهادت شاهدین دروغگو ثابت کند)

در این حالت خودش قصاص می شود نه شهود حتی اگر شهود نیز اقرار به تزویر کنند

نکته: احتمال دارد که بگوییم در این حالت (اخیر) همه قصاص شوند یعنی هم ولی دم دروغگو و هم شاهدین زور اما حکم فقط ولی دم قصاص می شود نه شاهدین زور شبهه به صحت و واقع است(یعنی بهتر است)

مسئله ۱۳ شهادت زور در سرقت



نکته : اگر شاهدان بگویند به اشتباه شهادت دادیم و سارق یکی دیگر است فقط دیه دست را به
عنوان غرامت می پردازند در عین حال شهادتشان علیه شخص دوم قبول نمی شود

مسئله ۱۴: وجوع از شهادت به اطلاق

بعد از دخول زوج ← رجوع نمایند چیزی را شاهدان
ضامن نیستند.

یا قبل از دخول زوج جدید وجوع نمایند
در این حالت ضامن نصف مهرالمسمی هستند گرچه در
این حکم تردید است

اگر دو نفر شهادت دهند
به وقوع طلاق و بعد از حکم
حاکم رجوع نمایند
حکم حاکم نقص نمی شود

مسئله ۱۵ : حکم شاهد زور

واجب است در شهر و دیارشان مشهور به شاهد دروغگو شوند
تا از شهادتشان اجتناب شود و دیگران از شهادت داده به دروغ
دوری کنند

حاکم مطابق آنچه صلاح است آنها را تعزیر می کند.

شهادتشان قبول نمی شود مگر توبه کنند، اصلاح شوند و
عدالت در رفتارشان ظاهر شود(گردد)

حکم شاهد زور

۱-شاهدی که از روی اشتباه شهادت داد

۲-شاهدی که شهادتش به واسطه تعارض با شهادت
دیگران رد شده است

۳-شاهدی که فسق وی از راه غیر تزویر آشکار شده
است

نکته : حکم یاد شده در مورد
این شاهدان جاری نیست